

سیاستمداران ایران
در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا
(بخش دهم)

۱۸۰- شفائی، اسماعیل

اسماعیل شفائی حدود سال ۱۸۸۵/۱۲۶۴ در تهران متولد شد. تحصیل کرده ایران و روسیه است، در سال ۱۹۱۰ به بریگاد قزاق پیوست. در ۱۹۲۲ رئیس قورخانه شد. سال بعد به اروپا سفر کرد و در سال ۱۹۲۶ به عنوان خرید ماشینهای مورد نیاز قورخانه نوین ایران از اروپا دیدن کرد. در مارس ۱۹۳۲ به درجه سرتیپی بریگاد ترفیع یافت و باز برای خرید ابزار نظامی به اروپا رفت. در سال ۱۹۳۴ که به سفر دیگر رفته بود از ریاست متترع شد و سال بعد آن در اروپا بود. اسماعیل شفائی بزبانهای روسی و آلمانی حرف می‌زند.

۱۸۱- شاه بختی، سپهبد محمد

سپهبد محمد شاه بختی حدود سال ۱۸۸۲/۱۲۶۱ خ. در روستای اشتهاورد پا به جهان نهاد. پسر یک دهقان است. در سال ۱۹۰۱ وارد خدمات بریگاد قزاق شد و در جنگهای داخل خود را یک مردی شجاع معرفی کرد، ولی در مأموریتها سبیل خود را چرب می‌کرد. در سال ۱۹۱۴ او به درجه سروانی رسید و بهنگام ریاست استروسلسکی در بریگاد قزاق به دسته یاران رضاخان درآمد، در سال ۱۹۱۹ به درجه سرهنگی ارتقاء یافت. بعد از کودتای ۱۲۹۹ فرمانده هنگ پیاده نظام (آهن) شد. در سال ۱۹۲۵ با ارتقاء به درجه ژنرالی عهده‌دار فرماندهی بریگاد پیاده تهران شد. در سال ۱۹۲۶ بعنوان فرمانده لشکر غرب مأموریت پیدا کرد و به عملیات نظامی پرداخت، ولی بعلت رشوه‌خواری به تهران احضار شد. بهرحال همیشه مورد توجه شاه می‌بود. از اینرو پس از اندک مدتی فرمانده نظامیان در کردستان گردید و در سال ۱۹۲۸ مأموریت نظامی فارس پیدا کرد، ولی اندکی بعد امیرلشکر شیانی جای او را گرفت. شاه بختی مردی درس نخوانده و عادی است. او با سیاست میانه خوبی ندارد، و از خارجیان خوشش نمی‌آید. به قشری‌گری و خشک مغزی شهرت دارد. شاه با او با یک دید احمقانه می‌نگرد. او از افسران مخصوص و فرمانبردار شاه است. شخصی خشک و خشن و پرکار در امور نظامی است.

۱۸۲- شاهرخ، ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو شاهرخ یک زردشتی ایرانی است. حدود سال ۱۸۷۵/۱۲۵۴ خ. تولد یافت و در مدرسه آمریکائیه در تهران درس خوانده زبان انگلیسی می‌داند. پس از تحصیلات به بمبئی رفت

و چند سالی در آنجا ماند و با پارسیان هند آشنا شد و مورد توجه آنان قرار گرفت. در سال ۱۹۰۵ نماینده کمپانی کشتی رانی روسی در خلیج فارس شد. در سال ۱۹۰۶ کارمند دفتر ارباب جمشید بود و از سوی زردشتیان از دوره دوم مجلس به نمایندگی رسید. در یک شرکت زردشتی سرمایه گذاری کرد. مدیر شرکت عمومی تلفن شد. هم اکنون به بازرگانی و داد و ستد سرگرم است. در سال ۱۹۳۴ در کمیته آئین برگزاری هزاره فردوسی خزانهدار بود و مدت کوتاهی کارپرداز و مدیر امور ساختمانها و باغ مجلس شورا شد. ارباب کیخسرو بر زردشتیان ایران ریاست دارد و در کاردانی و درستکاری نامبردار است. او یک مرد ملی نامداری است و هرگز تحت تأثیر افسونهای خارجیان قرار نگرفته است. شاهرخ فرزندان متعددی دارد که سرشناس ترین آنان افلاطون شاهرخ است که مردی با شخصیت و تواناست و مدیریت امور شرکت زرتشتیان و ریاست امور بنیادی کشیدن خط راه آهن سرتاسری ایران را برعهده دارد. به سال ۱۹۳۱ برای تهیه وسایل مورد نیاز راه آهن به سوئد مسافرت کرد. نماینده مجلس شورا است.

۱۸۳ - شیبانی، علی محمد

علی محمد شیبانی حدود سال ۱۲۷۲/۱۸۹۳ خ. دیده بجهان گشود. از مدرسه علوم سیاسی فارغ التحصیل شد و دارای دانشنامه از دانشگاه سوئیس است. مدتی دبیر سفارت در برن، برلن و لندن و توکیو بود و در سال ۱۹۳۵ در وزارت خارجه بعنوان نماینده آژانس پارس خدمت کرد و تا پایان سال ۱۹۳۶ در توکیو دارای پست سیاسی بوده است. علی محمد شیبانی به زبانهای فرانسه و انگلیسی حرف می زند، با دختر امیر لشکر خدایار زناشویی کرد. مردی منطقی و مهربان است. گرچه گاهی لجوج می باشد و در یکدندگی میان خاندان شیبانی مشهورست.

۱۸۴ - شیبانی، امیر لشکر حبیب الله

امیر لشکر حبیب الله شیبانی حدود سال ۱۲۶۴/۱۸۸۵ خ. متولد شد، پسر نظم الدوله از خاندانهای متوسط کاشان است. در سال ۱۹۰۶ به دانشکده سن سیره فرانسه رفت. و پس از اتمام آن به هنگ قشون فرانسویها به خدمت پرداخت. در سال ۱۹۱۳ به تهران برگشت و با درجه سروانی در ژاندارمری با افسران سوئدی بکار مشغول شد و به سال ۱۹۱۴ سرگرد گردید. او بشدت با روسها بدست. وارد دسته بازی نمی شود، ولی در دوران جنگ جهانی به مهاجرین (طرفداران آلمانها) پیوست و تا سال ۱۹۱۸ در عثمانی بود. وقتی دگر بار به ایران برگشت، خدمات خود را در ژاندارمری ادامه داد.

شیبانی به سال ۱۹۲۰ با رضاخان آشنا شد. به کودتا دلستگی پیدا کرد. در سال ۱۹۲۱ به درجه سرهنگی نایل آمد و در عملیات نظامی علیه میرزا کوچک خان و سمیتقو شرکت کرد. در سال ۱۹۲۲ به درجه ژنرالی بریگاد رسید. در سال ۱۹۲۳ بعنوان سرپرستی محصلین نظامی ایرانیان راهی فرانسه شد. در فرانسه وارد مدرسه عالی گردید. در سال ۱۹۲۵ با امتیاز بالاتر فارغ التحصیل می شود و به عنوان نماینده در پائیز سال ۱۹۲۵ در کنفرانس نظامی حمل و نقل شرکت کرد.

به هنگام بازدید بعنوان نماینده نیروی دریایی بریتانیا در خلیج فارس بشدت زخمی شد. در سال ۱۹۲۶ رئیس فعال ارکان حرب بود. در مارس ۱۹۲۸ به سبب خودداری از اجرای دستورهای شاه از کار برکنار گردید.

در مه ۱۹۲۸ تا دسامبر وزیر فوائد عامه بود. سپس شغل خود را از دست داد. او به روسها با نظر خصمانه می‌نگرد. اساس احساس او نسبت به انگلیسیها خوب است. عقیده دارد که انگلیسیها به خاطر مصالح خود در منطقه به آنها یاری می‌کنند و در راه منافع خود از هیچ عملی فروگذار نیستند. او یک وطنپرست سرسختی است و اگر خطری برای حکومت و بالنتیجه برای تمامیت ارضی ایران پیش بیاید با روحیه استوار و محکم با این تهدیدها رویارو خواهد شد. دیدگاه او این است که ایران باید بزودی جایگاه شایسته خود را در تمدن و فرهنگ جهانی به دست آورد. بطور قابل توجهی پاک و در گفتار صادق و در کردار جدی است. در روش کار اداری کشور نظرانی دارد، ازاینرو در قشون بعنوان یک «فرنگی» نام گرفته است، ولی این بدان معنی نیست که کورکورانه از غرب تقلید می‌کند. این از خصوصیات شخصی اوست.

او فرانسه را به روانی صحبت می‌کند. در پائیز ۱۹۳۱ در مقام یک شخصیت نظامی و جنگی دربار انجام وظیفه می‌کرد. در مأموریت عملیات جنگی در جنوب علیه قبایل ممسنی و بویراحمدی بی‌کفایت شناخته شد، چه پانصد نفر تلفات در این عملیات داد. به سبب این دو سال زندانی و محکوم شد و از همه مزایای نظامی محروم گردید، ولی چند ماه پیش در زندان نماند و بازنشسته شد. گفته می‌شود تا ۱۹۳۵ در خارج ایران بود سپس منتظر خدمت شد.

در ژانویه ۱۹۲۹ به عنوان مشاور عالی نظامی یافت. در سال ۱۹۲۹ بدرجه امیرلشکری نایل آمد و فرمانده لشکر فارس شد و در شکست یاغیان این ایالت و آرام کردن قشقای در یک جنگ نابرابر و با کمبود مهمات موفقیت به دست آورد.

مدتها بود که ناحیه کهگیلویه به دستور دولت مرکزی اعتنا نمی‌کرد و خودسرای پیسه کرده بودند. در سال ۱۹۳۰ وی با عملیات نظامی علیه خوانین ممسنی آنها را به اطاعت دولت درآورد و کهگیلویه را آرام و امن گردید.

شیبانی دیدگاههای استقلال طلبانه دارد، ولی گاهی هم در امور تنگ‌نظر و سختگیر است. وی مردی سخت انضباطی است. خودنما نیست. اندیشه‌های سپاهیگری وی محافظه کارانه و تودارانه است. تنها دوستان او نظامیهای فرانسوی هستند. هرگز دیده نشده است که از واقع‌گرایی بدور باشد.

۱۸۵ - شمس ملک آرا، اسدالله (شهاب الدوله)

اسدالله شمس ملک آرا (شهاب الدوله) شاهزاده قاجار حدود سال ۱۲۵۹/۱۸۸۰ خ. پا به گیتی نهاد، تحصیلکرده ایران است. چند سالی در خدمت اداره تلگراف بود. در ۱۹۱۱ حکمران یزد و در سالهای ۱۵-۱۹۱۴ وزیر پست و تلگراف، در ۱۹۱۵ وزیر فوائد عامه و سالهای ۲۵-۱۹۲۲ رئیس تشریفات دربار شد.

در سال ۱۹۲۹ به حکمرانی کرمانشاه رسید و به سال ۱۹۳۳ به تهران فراخوانده شد. در اکتبر ۱۹۳۴ حکمران کردستان بود. در اوایل ۱۹۳۶ بجهت رنجش شاه از اینکه قادر به اصلاحات مورد نظر در کردستان نبوده است به تهران فراخوانده می‌شود.

در سال ۱۹۱۹ هنگام بازدید احمدشاه از لندن به امتیاز K.e.v.۵ نایل آمد. شهاب الدوله مردی خشن، و شایع است که دسیسه کار است. او از جامعه غربی تفر دارد و از بودن در غرب متأسف بود، اسدالله شمس ملک آرا زبانهای انگلیسی و فرانسوی را به روانی حرف می‌زند.

۱۸۶ - شقایق، هادی (حصن الدوله)

هادی شقایق (حصن الدوله) حدود سال ۱۲۶۹/۱۸۹۰ خ. در تهران پا بجهان گذاشت.

تحصیلات خود را در ایران و روسیه و فرانسه انجام داد. در ارتش فرانسه تعلیم دیده است. افسر سواره نظام است. در قشون مقامهای گوناگونی عهده‌دار می‌بود. به سال ۱۹۳۲ بازرس عمومی سواره نظام با درجهٔ سرتیپی شد.
شقایق افسری دقیق است. به زبانهای فرانسه و روسی حرف می‌زند.

۱۸۷- شقایق، حسن

حسن شقایق حدود سال ۱۲۷۲/۱۸۹۳ خ. در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را در ایران و پاریس انجام داده و مدتی در سوئیس بعنوان یک مهندس به مطالعه پرداخته است. در سال ۱۹۱۴ به تهران آمد. در سالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۹ بعنوان ممیز خدمت می‌کرد. در ۱۹۲۰ در وزارت راه به کار پرداخت و عهده‌دار ساختن راهها بود. در سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۰ بازرس عمومی ادارهٔ راه و در سال ۱۹۳۲ مدیرکل راه آهن گردید.
شقایق به عنوان یک مهندس مجرب در امور راهسازی مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۳۳ مدیرکل راه و ارتباطات (طرق و شوارع) گردید.
در سال ۱۹۳۵ بجهت حیف و میل در امور اداری با عده‌ای از کارمندان ادارهٔ راه توقیف و روانهٔ زندان شد.

۱۸۸- شریعت زاده، احمد

احمد شریعت‌زاده حدود سال ۱۲۵۹/۱۸۸۰ خ. در مازندران متولد شد. تحصیلکردهٔ تهران است. به سال ۱۹۰۹ داخل عدلیه شد و به سال ۱۹۱۶ بمقام مدعی‌العمومی رسید. سپس از عدلیه کناره‌گیری کرد و به وکالت دعاوی پرداخت، به زودی در این شغل ترقی کرد و شهرتی یافت. او یکی از زیرکترین و کارآمدترین وکلای تهران شد. سال‌های ۲۴-۱۹۲۱ حق‌الوکالهٔ هنگفتی از بانک شاهی ایران به دست آورد. در دورهٔ پنجم قانونگذاری از مازندران به نمایندگی مجلس تعیین شد. مال و منال قابل توجهی در مازندران دارد.
احمد شریعت‌زاده زبان فرانسه بلد است و بجهت شهرتش از سوی دربار همیشه در بیم و هراس است. شخص دغلمکاری است.

۱۸۹- شوکت، محمد ابراهیم (شوکت الملک)

محمد ابراهیم شوکت، شوکت‌الملک (علم) دارندهٔ نشان (C.I.E.) حدود سال ۱۲۶۱/۱۸۸۲ خ. متولد شد. او از اعقاب یک خانوادهٔ قذیمی است که با کم و بیش استقلال و خودکامگی در قاینات و اطراف آن فرمانروایی کرده‌اند.
وی در مواقع گوناگونی حکمران سیستان و قاینات بود و در دوره‌های مختلف سابقهٔ دوستانهٔ دیرین با انگلستان دارد. شوکت‌الملک پیش از گسترش نفوذ حکومت مرکزی فعلی از پشتیبانی ما تا اندازهٔ زیادی برخوردار بود. بطور مثال سر تاونلی (Sir. Townley) بوسیلهٔ او سلطهٔ خود را در قاینات و سیستان بسال ۱۹۱۳ برقرار کرد.
در سال ۱۹۲۵ هنگامی که مورد توجه سفارت بود چند ماه از تهران دیدن کرد. در سال ۱۹۲۶ هنگام تاجگذاری رضاشاه وی هدیهٔ گرانبهائی تقدیم شاه کرد و برای حفظ نفوذ محلی خود با اوضاع و احوال سازگاری نشان داد.
در سال ۱۹۳۰ از راه بذل و بخششها مورد توجه و علاقه شاه قرار گرفت و ازین راه موقعیت

خود را مستحکم کرد و به اقتدار محلی در مشرق ایران افزود. به سال ۱۹۳۲ او نشان درجه دوم (همایون) بجهت پذیرایی که از کمیسیون تحدید مرزی کرده و برایش هزینه هنگفتی داشت، گرفت. در مه ۱۹۳۲ به تهران آمد و از شاه سپاسگزاری کرد و چند ماهی در تهران ماندنی شد، و از همراهان شاه در مسافرت مازندران و شیراز شد.

در اکتبر ۱۹۳۲ به او اجازه داده شد به بیرجند برگردد و در تقسیم اراضی سیستان که متعلق به سرداران و وابستگانش بود به دهقانان اقدام کند. نظر اصلی این بود که همه املاک جزو املاک سلطنتی شود و با نیروی نظامی غصب املاک انجام شد.

شوکت الملک شخصی جوانمرد و گشاده دست و دلپذیر است. بعضی از افراد خاندان او در انگلستان درس خوانده‌اند. پسر برادرهایش (حشمت‌الدوله و صمصام‌الملک) و برادرزتش ملک محمودخان از شخصیت‌های مهم محلی بشمار می‌روند.

۱۹۰ - شایسته، محمد

محمد شایسته حدود سال ۱۸۹۵/۱۲۷۴ خ. متولد شد. فارغ‌التحصیل مدرسه علوم سیاسی تهران است. حدود سال ۱۹۱۸ وارد خدمت در وزارت امور خارجه شد. مدتی قاضی در بخش محاکمات وزارت خارجه می‌بود و در سال ۱۹۲۴ دبیر اول سفارت ایران در برن و سپس در سال ۱۹۲۹ عهده‌دار اداره امور خارجیان و آمریکا در وزارتخانه شد. در سال ۱۹۳۳ عهده‌دار بخش انگلیسی و سپس کاردار و وزیر مختار ورشو بود و در سپتامبر ۱۹۳۵ چند ماه از کار کنار گرفت. محمد شایسته پسر یک بازرگان است. از مراوده رسمی با خارجیان ابا دارد. سخنران خوبی در دو زبان فارسی و فرانسه است. دارای اطلاعات در امور نفت است. آدم خوش برخوردی نیست.

۱۹۱ - شیروانی، ابوطالب (بنان السلطان)

ابوطالب شیروانی (بنان السلطان) حدود سال ۱۸۹۹/۱۲۷۸ خ. دیده بجهان گشود. او تحصیلکرده مدرسه محلی بود. دو سال نیز در مدرسه میسیونهای مسیحی در کلیسا درس خواند. زبان انگلیسی خوانده است، ولی بخوبی نمی‌تواند حرف بزند. در جوانی شهرت خوبی نداشت، زیرا به دسته رضاخان جوزانی پیوست و چند ماهی نیز نزد ماشاله خان کاشی بود. در سال ۱۹۱۹ به انتشار روزنامه میهن در اصفهان پرداخت. بجهت انتقاد از سرگرد فضل‌الله خان [آقا اولی] رئیس ژاندارمری توقیف شد. بوسیله سرگرد شلاق خورد. در سال ۱۹۲۱ در تهران با انتشار روزنامه‌اش ادامه داد. روزنامه میهن یک روزنامه ملی گرا و ناسزاگوست. در سال ۱۹۲۲ علیه شرکت سینکلر (Sinclar) مقالاتی انتشار داد. آدم قابل توجهی است.

در ادوار پنجم و ششم قانونگذاری وکیل مجلس شد. در انعقاد قرارداد نفت خوریان دست داشت. در سال ۱۹۲۷ بمناسبت برگزاری دهمین سال انقلاب اکتبر روسیه به مسکو رفت. در دسامبر ۱۹۲۷ از لندن دیدن کرد.

در ۱۹۲۷ وکیل مدافع شد. او یک دغلكار و بی‌پرنسب است. آدم قابل اعتمادی نیست.

۱۹۲ - شکوه، حسین (شکوه الملک)

حسین شکوه (شکوه الملک) حدود سال ۱۸۸۰/۱۲۵۹ خ. دیده بجهان گشود. در تهران درس خوانده است. از منسوبین حسن وثوق (وثوق‌الدوله) است. مدت سی و سه سال در خدمات دولتی بوده و در وزارتخانه‌های گوناگون به مشاغل مهمی رسیده است. در ۱۹۱۹ و سالهای

۱۹۲۱-۲۸ رئیس کابینه (ریاست وزرا) و در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۲۱ معاون وزارت پست و تلگراف می‌شود. در سال ۱۹۲۸ رئیس کابینه احمد شاه و سپس تا ۱۹۳۴ رئیس دفتر مخصوص رضاشاه بود و همراه شاه از ترکیه در سال ۱۹۳۴ دیدن کرد.
حسین شکوه به زبان فرانسه حرف می‌زند. مردی کاردان و در برخوردها مؤدب است. آدم تودار و مرموزی است.

۱۹۳ - سینکی، جواد

جواد سینکی حدود سال ۱۸۸۱/۱۲۶۰ خ. تولد یافت. پسر میرزا تقی خان مجدالملک است. در روسیه درس خواند و در فرانسه تحصیل خود را در رشته حقوق به انجام رسانیده است. در سال ۱۸۹۹ وارد خدمت وزارت خارجه شد. در سال ۱۹۰۰ نایب قسول ایران در تفلیس بود.

در ۱۹۰۷ دبیر سفارت در فرانسه و به سال ۱۹۰۹ قسول ایران در عشق آباد و سپس قسول ایران در هشتراخان شد و تا ۱۹۱۶ در این سمت باقی بود.
در سالهای ۲۴-۱۹۲۰ قسول ایران در استانبول و به سالهای ۲۸-۱۹۲۵ در اداره‌های مختلف وزارت خارجه کار می‌کرد.

در سال ۱۹۳۰ وزیر مختار ایران در قاهره بود و در سال ۱۹۳۳ به تهران احضار شد. در سالهای ۳۵-۱۹۳۳ به ریاست اداره اول امور سیاسی وزارتخانه رسید. در سال ۱۹۳۵ به وزارت مالیه منتقل شد و در رأس بخش ممیزی و بازرسی آن وزارتخانه قرار گرفت.
جواد سینکی فرانسه و روسی بلد است. زن روسی خود را رها کرد و برای دومین بار با یک زن ایرانی زناشویی کرد.
در برخوردهای اداری دوستانه است، ولی هموطنانش او را شخص قابل اعتماد نمی‌دانند. آدمی اندوهگین و گرفته بنظر می‌رسد. از بیماری سوءهاضمه رنج می‌برد.

۱۹۴ - سهیلی، علی

علی سهیلی حدود سال ۱۸۹۰/۱۲۶۹ خ. دیده بجهان گشود. تحصیلکرده روسیه است. زبان روسی را به روانی حرف می‌زند. به زبان فرانسه هم آشنائی دارد.
کار اداری او خدمت در وزارتخانه‌های مختلف بود تا اینکه در ژانویه ۱۹۳۱ هنگام وزارت طرق و شوارع باقر کاظمی به میل او بمعاونت این وزارت رسید. در سپتامبر ۱۹۳۳ به وزارت خارجه انتقال یافت و در این وزارتخانه معاون شد.

سهیلی مدتی مدیرعامل شرکت شیلات بود. چند بار در غیاب وزیر خارجه امور آن وزارتخانه را انجام داد. در سال ۱۹۳۷ وزیر مختار ایران در لندن شد. سهیلی آدم منطقی و واقع بین است. کارهای او از نظمی برخوردار است. مردی فعال است و با همکاران خود روابط خوب و نزدیک دارد. سهیلی هنگام تماس با این سفارتخانه همواره گرایش همکاری و روحیه سازش و معقول داشته است.

۱۹۵ - قاسم (صوراسرافیل)

قاسم صور (صوراسرافیل) حدود سال ۱۸۸۰/۱۲۵۹ خ. در تبریز متولد شد. پسر حاج میرزا حسن خان مستوفی است. مدیر روزنامه صور اسرافیل بود که در آغاز مشروطیت انتشار می‌یافت. این روزنامه زبان آزادبخوانان ایران (نه سوسیالیستها) بود و از سوی محمدعلیشاه توقیف شد و [میرزا

جهانگیرخان [نویسنده آن به دار آویخته شد. صور درادوار دوم و سوم قانونگزاری نماینده مجلس شد.

در زمان جنگ جهانی با سایر دموکراتها ایران را ترک گفت و به عثمانی رفت و حتی حزب سوسیالیست در ۱۹۲۲ در تهران تأسیس شد، عضو آن حزب شد. در سالهای ۲۳-۱۹۲۲ وقتی مستوفی الممالک رئیس الوزراء شد رئیس کابینه و سپس در سال ۱۹۲۴ وزیر داخله در کابینه مستوفی الممالک بود. در سالهای ۳۲-۱۹۲۸ وزارت پست و تلگراف را عهده دار بود. در سال ۱۹۳۳ به عضویت هیأت مدیره بانک کشاورزی رسید. سپس حکمران اصفهان شد و تا بحال در این سمت باقی است.

قاسم صور مردی فرحبخش است. هنگام وزارت پست و تلگراف بطور معمولی روحیه مساعد داشت. فرد خیلی باهوشی نیست.

۱۹۶ - طباطبائی، محمد صادق

محمدصادق طباطبائی دومین پسر سید محمد طباطبائی از شخصیتهای برجسته در تحولات سالهای ۱۰-۱۹۰۶ بود. به سال ۱۲۵۹/۱۸۸۰ خ. در تهران دیده بجهان گشود. در ادوار سوم و چهارم قانونگزاری نماینده مجلس شد. بجهت نزدیکی و گرایش به آلمانها در زمان جنگ جهانی در سال ۱۹۱۶ با اعضا حزب سوسیالیست به عثمانی مهاجرت کرد. در سال ۱۹۱۸ به ایران برگشت. از هواخواهان سلیمان میرزا در تشکیل حزب سوسیالیست بود. در این دوران به سفارت روسیه نزدیک شده بود.

در سالهای ۲۷-۱۹۲۴ سفیر ایران در ترکیه بود و در سال ۱۹۲۷ فراخوانده شد. سپس در دیوان عالی کشور به کار گمارده شد، ولی این مسئولیت را نپذیرفت. محمد صادق طباطبائی زبان فرانسه بلد است. گفته می شود شخصی فعال و باهوشی است. در سال ۱۹۲۷ شغلی در دستگاه دولتی نپذیرفته است. روابطش با رضاشاه خوب نیست.

۱۹۷ - طباطبائی، سید ضیاءالدین

سید ضیاءالدین طباطبائی حدود سال ۱۲۷۲/۱۸۹۳ خ. متولد شد. پسر سید علی آقازدی طباطبائی است. روزنامه «رعده» را در سالهای ۱۶-۱۹۱۵ منتشر می کرد. در سالهای ۱۸-۱۹۱۷ نقش مهمی در سیاست ایران ایفا کرد. در سال ۱۹۱۹ بعنوان نماینده ایران از سوی وثوق الدوله به قفقاز مأموریت یافت و در مه ۱۹۲۰ به تهران بازگشت.

در فوریه ۱۹۲۱ با کمک قزاقها کودتا کرد و اداره امور کشور را زیر نظر گرفت و عهده دار ریاست وزرائی شد. در مارس ۱۹۲۱ وی بدستور احمدشاه عزل شد و اصلاحات اساسی او پس از ازدست دادن قدرت در ژوئن متوقف شد. از آن تاریخ به ایران برنگشت. گفته می شود وی در سوئیس و در ناحیه تریئت (Territet) اقامت گزیده است. خود را یک روحانی می داند. در سالهای تبعید به خرید و فروش توتون پرداخت. طبق گزارشها وی در ماههای اوایل مه ۱۹۳۳ بعنوان یک شخصیت برجسته در کنگره اسلامی فلسطین شرکت کرده است، و اعلام شده است که او سید ضیاءالدین طباطبائی است.

سید ضیاءالدین طباطبائی آدم زیرک و باهوشی است. ممکن است در آینده به زادگاه خود بازگردد، ولی در حکومت مطلقه رضاشاه محلی برای فعالیت سیاسی او نیست. رازها و اسرار زیادی از او در پرده استار است. گفته می شود وی در گفتگوبین ایران و عراق به سال ۱۹۳۵ که باقر کاظمی در آن حضور داشت شرکت جسته است.

۱۹۸ - تدین، سید محمد

سید محمد تدین به سال ۱۲۶۴/۱۸۸۴ خ. در بیرجند خاور ایران پا بجهان گذاشت. تحصیلات قدیمی خود را در تهران به پایان رسانید، سپس مدیر مدرسه شد. بعد از انشعاب حزب دموکرات به سال ۱۹۱۲ تهران او رهبر یکی از شعبه‌های مهم حزب شد. او در ادوار چهارم و پنجم و ششم قانونگزاری نماینده مجلس شد. در نیمه دوم دوره پنجم مجلس به ریاست مجلس رسید، و در دوره ششم این سمت را حفظ کرد.

تدین به سال ۱۹۲۷ وزیر معارف شد. در دسامبر همین سال بجهت بروز اختلاف در کابینه، از کار کناره گیری کرد، ولی بدستور شاه به کابینه برگشت.

در ۷ ژانویه ۱۹۲۸ به دستور شاه از کار برکنار شد. گویا بیکاری وی بعلت مخالفت تیمورتاش بود. بهمین علت در انتخابات دوره هفتم به مجلس راه نیافت. تدین در ۱۹۳۰ حاکم کرمان شد و دگربار موقعیت خود را نزد شاه بازیافت.

تدین یکی از هواخواهان جدی جمهوری در سال ۱۹۲۴ بود و برای تلاش در این جریان پول زیادی به عنوان کارگردانی این نمایش به دست آورد و در مقام ریاست مجلس بسبب سیاست جانبداری سخت به پیروزیهای دست یافت.

تدین بی تردید آدم باهوش و خوش مشربی است. کمی فرانسه بلد است. احضار او از حکومت به سبب دوستی با سرهنگ نوئل (Noel) بود، نه جهت شکایت از او در این مأموریت. به او دیگر شغلی داده نشد. چنین بنظر می‌رسد که هوادار رژیم پهلوی نیست.

۱۹۹ - طه (سید)

سید طه حدود سال ۱۲۷۰/۱۸۹۱ خ. تولد یافت. از شخصیت‌های کرد منتقد در (رواندوز) است. ریاست خاندان شیخ بهایی نری شمس دینان در کشور عراق را دارد. پیش از جنگ در اختیار روسها بود. عقیده او بر این است که به دست آوردن خودمختاری برای کردستان بهتر از اتکاء به ایرانیان است. او مدت درازی از سوی ترکها و روسها زندانی بود.

گفته می‌شود که به سبب روحیه مذهبی با کردهای عراق به نظر امیدوار کننده برای اهداف خود می‌نگرد. اسماعیل آقای سمیتقو یاغی معروف ایرانی که در ۱۹ ژوئیه ۱۹۳۰ بوسیله قوای اعزامی ایرانی کشته شد، از منسوبین نزدیک او بود.

او دارای مال و منال زیادی در ناحیه ارومیه است. خانواده او ضد ایرانی هستند. وی زبانهای کردی و فارسی و ترکی می‌داند و بمقدار زیاد به زبان روسی آشناست. مردی زیرک و باهوش و روشن به نظر می‌رسد.

در سال ۱۹۲۸ تسلیم دولت شد و بجهت پیگرد قانونی به طهران راهی شد. از آن موقع به بعد بجهت مخالفت با دولت در تهران تحت نظر است. او سال ۱۹۳۰ ملاقات و مذاکره‌ای در تهران با سرگرد (نوئل) Noel) رئیس امور سیاسی ما کرد، ولی کمتر آفتابی می‌شود.

در سال ۱۹۳۷ گرفتاریهای مالی پیدا کرد. متنفذین مخالفش با ادعای مالکیت بر اراضی او، ثروتش را از دستش گرفتند. او برای رفع گرفتاریهایش حق ندارد تهران را ترک کند.

۲۰۰ - تقی زاده، حسن

حسن تقی زاده حدود سال ۱۲۵۹/۱۸۸۰ خ. در تبریز متولد شد. پسر یک واعظ معمولی است. او در شهر خود درس خوانده. عادت دارد مرتب به کتابفر و شیها سر بزنند. اشتیاق زیادی به فراگرفتن دانش

و اطلاعات نشان می‌دهد.

از آغاز جوانی ملی‌گرای تندروی بود و از همان زمانها روابطی با جنبشهای ناسیونالیستی داشت. در دوره اول به نمایندگی مجلس برگزیده شد و از چهره‌های برجسته پارلمان به شمار می‌رفت. محمد علیشاه از او نفرت داشت. وقتی شاه در سال ۱۹۰۸ کودتا کرد و مجلس را بهم زد تقی‌زاده به سفارت انگلستان پناهنده شد. اصرار پادشاه در تحویل تقی‌زاده به کودتاچیان عملی نشد. بعدا مورد بخشش قرار گرفت. در این وضع او راهی اروپا گردید، و از لندن و دانشگاه کمبریج دیدن کرد. در اواخر سال ۱۹۰۸ به تبریز برگشت.

در سال ۱۹۰۹ در دوره دوم قانونگزاری مجلس وکیل شد.

وقتی تهران به تسخیر ملیون آزادیخواهان درآمد و محمد علیشاه در ژوئیه ۱۹۰۹ از پادشاهی کنار گرفت تقی‌زاده به عنوان شخصیت برجسته جزو اعضای حکومت موقتی قرار گرفت. در ۱۹۱۰ به اروپا رفت. در نبودن او در تهران به نمایندگی دوره سوم مجلس برگزیده شد، اما او در کرسی خود قرار نگرفت. در دوره چهارم نیز وکیل شد و چون در خارج بود به مجلس نیامد. او مدتی در آمریکا و اروپا اقامت گزید. میان سالهای ۱۹۱۴-۱۹۲۳ در خارج بود، مدتی نیز در برلن زندگی کرد و در آنجا به اداره مجله «کاو» پرداخت و بجهت چاپ مقالاتی درباره اسلام از سوی مجتهدان تکفیر شد.

در سال ۱۹۲۱ برای عقد قرارداد بازرگانی ایران و شوروی به مسکو رفت و در سال ۱۹۲۴ به ایران بازگشت. او در سالهای ۲۴ به نمایندگی دوره پنجم و در سال ۱۹۲۶ به نمایندگی دوره ششم تعیین شد. او در سال ۱۹۲۶ نماینده ایران در نمایشگاه فیلادلفیا در آمریکا بود.

در ژانویه ۱۹۲۹ والی خراسان شد و سپس به عنوان وزیرمختار ایران به لندن رفت و تا آوریل سال ۱۹۳۰ بماند، و هنگام برگشت به ایران وزیر طرق و شوارع شد. در آگوست ۱۹۳۰ وزارت مالیه به شغل او اضافه گردید.

تقی‌زاده مردی نان بده است. مسافرتهای زیادی می‌کند. در زمان حاضر آن شور دوران مشروطیت را ندارد، تندی و تعصب او به اعتدال گرایده است.

نطقهای او در مجلس نشانه روش مردمی و معتدل است. آن شیوه آتشین دوران ناسیونالیستی پیشین را ندارد. روابط او با شاه از سپتامبر ۱۹۳۳ تیره شد. مورد توجه رضاشاه نیست گفته می‌شود به سبب آنکه مجلسیان را علیه (خرید طلا) تحریک کرد مورد بدگمانی شاه قرار گرفته است، ولی اندکی بعد شاه او را در دسامبر ۱۹۳۳ بعنوان وزیرمختار روانه پاریس کرد. در آگوست ۱۹۳۴ تقی‌زاده از پاریس به تهران فراخوانده شد، ولی او به اقامت خود در پاریس ادامه داد، به تهران برنگشت. در سپتامبر ۱۹۳۵ بهنگام برگزاری کنگره خاورشناسی در رم نمایندگی ایران شرکت جست. بجهت نوشتن مقاله‌ای درباره زبان فارسی و یادآوری این نکته که به تدریج باید زبان فارسی رواج یابد و نیازی بقدرت دولتی نیست (گویا برای اقوام ایرانی می‌بود) شاه ناراحت شد، و این مقاله توقیف شد و همین امر سبب شد به ایران برنگردد.

تقی‌زاده با یک آلمانی زناشویی کرده است. به روانی زبان آلمانی را حرف می‌زند. به زبان انگلیسی آشناست، ولی فرانسه‌اش خوب نیست.

۲۰۱- وکیلی، علی

علی وکیلی حدود سال ۱۸۹۷/۱۲۷۶ خ. در شهر تبریز متولد شد. آغاز کارش بازرگانی قالی بود و سپس صادر کننده آن به خارج بود. این کار را گسترش داد. فرآورده‌های دیگر کشور را به خارج

می‌فرستاد. او امتیاز قرصهای دکتر راس Dr. Ros را برای درمان به دست آورد و از فروش آن سود زیادی عایدش شد. بعد به کار سینما وارد شد و مدیر سینما سپه در تهران گردید. نمایندگی اغلب محصولات آمریکائی در ایران با اوست.

در دورهٔ دهم از تهران نمایندهٔ مجلس شد و عضو انجمن شهر تهران و مدیر یک شرکت مرکزی وارد کنندهٔ لوازم ماشین است.

وکیلی یک شخصیت جدی و فعال و خود ساخته است و از حمایت داور وزیر مالیه برخوردار است.

۲۰۲- قوام، احمد (قوام السلطنه)

احمد قوام (قوام السلطنه) برادر حسن وثوق که چند سال جوانتر از اوست. زندگی سیاسیش را از وزارت مالیه شروع کرد. از ژوئیه تا اکتبر ۱۹۱۰ وزیر جنگ و از ژوئیه تا نوامبر ۱۹۱۱ وزیر داخله و دیگر بار در دسامبر ۱۹۱۱ وزیر داخله و از ژوئیه تا آگوست ۱۹۱۷ وزیر مالیه و از نوامبر ۱۹۱۷ تا ژانویه ۱۹۱۸ وزیر داخله بود.

از آوریل ۱۹۱۸ به والیگری خراسان فرستاده شد و سه سال در این سمت باقی ماند. در این موقع خراسان دستخوش آشوب و ناامنی بود و او توانست با قوای یک شکل موفق به آرام ساختن طغیانهای آن ناحیه شود. در ژوئن ۱۹۲۱ تا ژانویه ۱۹۲۲ رئیس الوزراء شد و وزارت داخله را نیز خود عهده‌دار بود. برای بار دوم از ژوئن ۱۹۲۲ تا فوریه ۱۹۲۳، رئیس الوزراء شد و وزارت خارجه را خود اداره می‌کرد. در اکتبر ۱۹۲۳ به اتهام طراحی نقشهٔ قتل رضاخان (رضاشاه بعدی) به اروپا تبعید شد. در پایان سال ۱۹۲۸ اجازه یافت به ایران برگردد و در مارس ۱۹۳۰ به ایران آمد.

(قوام السلطنه) شخصی باهوش و زیرک، ولی مکار و حیله‌گر و دسیسه‌باز غیر قابل اعتماد است. معمولاً روابط دوستانه با سفارت پادشاهی دارد. کمی فرانسه بلد است.

۲۰۳- وثوق، حسن دارندهٔ نشان G.C.B (وثوق الدوله)

حسن وثوق (وثوق الدوله) به سال ۱۸۶۸/۱۲۴۷ خ. تولد یافت. خدماتش را از وزارت مالیه آغاز کرد. در دورهٔ اول قانونگزاری به نمایندگی مجلس برگزیده شد. در سال ۱۹۰۹ پس از کناره‌گیری محمدعلی شاه از پادشاهی عضویت هیات مدیرهٔ وقت را برای ادارهٔ کشور یافت. در نخستین کابینهٔ مشروطیت پس از رفتن محمد علی شاه به سال ۱۹۰۹ به وزارت عدلیه و در ماه بعد به وزارت مالیه رسید. در ژوئیهٔ ۱۹۱۰ از کار کناره‌جویی کرد.

در ژانویهٔ ۱۹۱۳ وزیر امور خارجه شد و در ژوئن همان سال راهی اروپا شد. در ژوئیهٔ ۱۹۱۴ مجدداً وزیر خارجه و از آگوست تا دسامبر وزیر مالیه بود، در آگوست ۱۹۱۶ تا مه ۱۹۱۷ رئیس الوزراء شد و وزارت خارجه را نیز عهده‌دار بود.

از آگوست ۱۹۱۸ تا ژوئن ۱۹۲۰ بعنوان رئیس الوزراء و وزیر مالیه بود و قرارداد ۱۹۱۹ را با انگلستان بست.

در ژوئن ۱۹۲۰ به اروپا رفت تا اینکه در آغاز سال ۱۹۲۶ به ایران برگشت. در ژوئن ۱۹۲۶ وزیر عدلیه شد و در نوامبر همانسال کناره‌گیری کرد و وارد مجلس شد. در سالهای ۱۹۲۸-۱۹۳۰ وکیل مجلس بود.

در دسامبر ۱۹۲۵ به ریاست فرهنگستان گمارده شد.

وثوق مردی باشخصیت و توانا و قابل است و جهت ایستادگی و دفاع قرارداد ۱۹۱۹ مورد نفرت و بیزاری مردم ایران قرار گرفت. چه همه کوشش خود را برای توجیه قرارداد به کار می‌برد و پیش از وارد شدن به مجلس بعد از قرارداد زبان زد خاص و عام بود. او دشمنان سرسختی دارد و همین امر موجب عدم توجه شاه به او بود. بارها برای مقامات سیاسی و سمتهای خارجی به او مراجعه شد، ولی او زندگی در ایران را به عزیمت به خارج ترجیح داده است. فرانسه را به روانی صحبت نمی‌کند. اندکی نیز انگلیسی بلد است.

۲۰۴ - یاسائی، عبدالله

عبدالله یاسائی حدود سال ۱۸۸۰/۱۲۵۹ خ. در یزد متولد شد. کارهای دولتی را در وزارت عدلیه آغاز کرد و به عنوان قاضی چند سالی در سمنان انجام وظیفه می‌کرد. در دوره‌های چهارمین و پنجمین و ششمین و هفتمین و هشتمین قانونگزاری وکیل مجلس بود. در سال ۱۹۳۱ مدیرکل اداره بازرگانی شد و در سال ۱۹۳۳ کار خود را از دست داد. علت برکناری دوستی او با تیمورتاش بود. پس از از کار افتادن تیمورتاش او نیز بیکار شد، دیگر از او نام و رسمی در میان نیست.

یاسائی مردی باهوش و بسیار فعال است و به بهترین وجهی با مشکلات موجود در تجارت انحصاری دست و پنجه خورد کرد. رفتار مناسبی با دعوی حقه سهام انگلستان در کارهای تجاری داشت.

۲۰۵ - یزدان پناه، سرلشکر مرتضی

سرلشکر مرتضی یزدان پناه حدود سال ۱۸۹۱/۱۲۷۰ خ. دیده به گیتی گشود. پسر علی اکبر، صاحب یک دهک در ده سردشت است. مرتضی خان در سال ۱۹۰۷ وارد مدرسه قزاقخانه به فراگرفتن فنون نظامی پرداخت. در ۱۹۱۲ عهده‌دار خدمت شد و خود را هواخواه روسیان نشان داد. در نتیجه به سرعت مدارج نظامی را گذراند. در ۱۹۱۹ سرهنگ دوم شد و سال بعد به سرهنگ تمامی رسید. در همه دوران خدمت از دوستان صمیمی رضاخان بود. از این رو در کودتای فوریه ۱۹۲۱ همراه رضاخان به تهران آمد و در کودتا شرکت جست و با ارتقاء به درجه سرتیپی فرمانده پادگان مرکز شد.

در ژوئیه ۱۹۲۷ از نظر شاه افتاد و به سبب نامعلومی بازداشت شد و مدت کوتاهی در زندان بود. چون بدگمانی علیه او بی‌پایه درآمد از اینرو بزودی از زندان رها شد. در پائیز ۱۹۲۸ بسمت مفتش قشون به کار گمارده شد. سپس فرمانده ژاندارمری گردید، ولی در سال ۱۹۳۰ از این شغل برکنار شد. دیگر کار فرماندهی رانداشت.

مرتضی خان تا سال ۱۹۲۷ از هواخواهان سلطنت به شمار می‌رفت، ولی پس از بازداشت بی‌سبب از نظر شاه افتاد و اعتماد خود را به شاه از دست داد.

سرلشگر یزدان پناه مردی باهوش و جاه‌طلب و مغرور و در امور نظامی بسیار منضبط است. نظرات نظامی و تحصیلات او بسیار محدود است. خود را مشتاق به آموختن نشان می‌دهد. بین نظامیان وجهه خوبی ندارد. همواره از شخصیت او نگران بوده‌اند، ولی دارای احترامات لازم است. از خارجیان کنار می‌گیرد. دارای شخصیت برجسته‌ای در ایران است.

در هر رویدادی که رضاشاه با آن روبرو شده مرتضی خان در صف نخستین قرار دارد. سرلشگر یزدان پناه به روسی حرف می‌زند. به سال ۱۹۳۳ راهی اروپا شد و در دسامبر همان سال به ایران برگشت. بدون کار و سمت در تهران است.

۲۰۶- زاهدی، فضل‌الله (بصیر دیوان)

فضل‌الله زاهدی (بصیر دیوان) حدود سال ۱۸۸۸/۱۲۶۷ خ. در همدان متولد شد. پدر او چندی در خدمت ناصرالملک ثروتمند معروف همدان بود. بعد به جنبش مشروطیت ایران پیوست و در این جریان زخمی شد. سپس وارد خدمات قزاقخانه شد و با رضاخان آشنا گردید و کمر به خدمت او بست. در ۱۹۲۱ به درجهٔ سرتیپی رسید.

در سال ۱۹۲۲ به فرماندهی قشون شیراز و در سال ۱۹۲۴ به فرماندهی قوای خوزستان رسید و در سال ۱۹۲۵ در جنگ (شیخ محمدره) شرکت جست.

در سال ۱۹۲۶ به رشت انتقال یافت و به فرماندهی قوای مستقل شمال گمارده شد. در دسامبر ۱۹۲۸ به تهران احضار گردید. بسال ۱۹۲۹ به فرماندهی گارد راهها رسید و به سبب کوتاهی در انجام وظایف دولتی از کار برکنار و بازداشت شد، ولی بزودی بخشوده شد. خدمات دولتی خود را دنبال گرفت.

در سال ۱۹۳۱ رئیس پلیس شد، ولی بعلت فرار عده‌ای از زندان کار خود را از دست داد. آن پس توجه خود را به معاملات کرد. شریک دفتر نمایندگی «فرده» شد.

در سال ۱۹۳۲ با ارتقاء به درجه سرلشکری آجودان (A.D.C) شاه گردید.

در اوایل ۱۹۳۵ به عنوان نمایندهٔ بازرگانی از روسیه دیدن کرد و سپس به اروپای مرکزی رفت. سرلشکر زاهدی سیاست را به امور نظامی ترجیح می‌دهد. ثروت زیادی در مأموریت و فرماندهی قوای اعزامی به خوزستان عایدش شد. شخصی لایق و جوانمرد است. بین نظامیان وجهه ندارد. سرلشکر زاهدی با دختر حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) در ۱۹۲۷ زناشویی کرده است.

۲۰۷- ضرغامی - عزیزالله

عزیزالله ضرغامی حدود سال ۱۸۸۲/۱۲۶۱ خ. در تهران تولد یافته است. تحصیلکردهٔ ایران است. خدمات خود را در ۱۹۱۱ در ژاندارمری سوئدیه‌ها شروع می‌کند. او خدمات خود را در ژاندارمری و سپس قشون ادامه داد.

در آوریل ۱۹۳۰ فرماندهٔ گارد راهها بود. در آگوست ۱۹۳۴ به سمت ریاست ارکان حرب با درجهٔ سرلشگری منصوب شد.

سرلشکر ضرغامی فرد متعصب مذهبی است. تحصیلات خوب دارد و به عنوان یک افسر لایق شناخته شده است.

۲۰۸- زرین کفش، علی اصغر

علی اصغر زرین کفش حدود سال ۱۸۸۵/۱۲۶۴ خ. در یک خانوادهٔ تهرانی دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را در تهران در مدرسهٔ علوم سیاسی به پایان برد و داخل خدمات وزارت خارجه شد. چند سالی دارای سمتهای کوچک در آن وزارتخانه می‌بود.

در سال ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ عهده‌دار ریاست یکی از ادارات وزارتخانه بود. خیلی آداب‌دان است. گاهی می‌کوشد به اعضای این سفارت راهنمایی و کمک کند.

هنگامی که محمد علی فروغی به وزارت امور خارجه رسید بعنوان رئیس کابینه به کار پرداخت. بیشتر در سفارت ایران در واشنگتن خدمت کرد و یک سال عهده‌دار سمت دبیری سفارت بود. سپس به تهران احضار شد و بهنگام تغییرات عدلیه بوسیلهٔ داور در دیوان عالی تمیز قاضی شد.

زمان رسیدن میرزا علی خان منصور به وزارت داخله وی به این وزارتخانه انتقال یافت و معاون

منصور شد.

در ۲۶ ژانویه ۱۹۳۳ به وزارت طرق منتقل شد و پس از آن در آن وزارت تعیین گردید و تا سپتامبر ۱۹۳۳ (کابینه فروغی) این مقام را حفظ کرد. زرین کفش در برخوردهای اداری آدم محجوبی است. به زبانهای انگلیسی و فرانسه تا حدی آشنایی دارد. بهنگام خدمت در وزارت عدلیه شهرت خوبی به دست آورد. در دسامبر ۱۹۳۳ همراه همسر و دو فرزندش به عنوان عضو نمایندگی شرکت نفت ایران و انگلیس به انگلستان سفر کرد.

جافتاده‌ها

دنباله معینی، احمد

بی‌نهایت پرکار و جدی در تعلیم سربازان خودش و اداره آنهاست. او رفتار خوبی در جنگ با زیردستان خود داشت. مجروح شدن او از ناحیه گوش افتخار و غروری به او بخشیده است. او با افسران و مردم بسیار مهربان است. در اهواز انگشت در هرگونه آشفته‌گی نظامی و محلی دارد. گفته می‌شود مورد توجه شاه است.

۱۲۷- مدرس، سید حسن

سید حسن مدرس حدود سال ۱۸۷۰/۱۲۴۹ خ. دیده بجهان گشود. اهل آبادی ناحیه اصفهان است.

او کار خود را بعنوان یک مدرس امور دینی آغاز کرد. پیش از ورود بمجلس تا سال ۱۹۱۴ کار سیاسی را بگونه غیرجدی و تفتنی انجام می‌داد. او در سال ۱۹۱۵ بعنوان یک رهبر حکومت مشروطه با مهاجرین طرفدار آلمان از کرمانشاه به استانبول تبعید شد. در سال ۱۹۱۸ به تهران بازگشت. بعنوان اعتراض علیه کابینه نجفقلی خان بختیاری در تابستان همانسال به شاه عبدالعظیم نزدیک تهران پناهنده شد و بطور سرسختانه از روی کار آمدن و ثوق‌الدوله جانبداری می‌کرد. سپس در قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله با انگلیس با این کابینه از در ستیز درآمد و محبوبیت و معروفیت زیادی بدست آورد. در ادوار چهار و پنج و شش قانونگزاری بعنوان یک شخصیت برجسته در مجلس می‌بود، اما بجهت این مبارزات در دوره هفتم به مجلس راه نیافت و این دوره هنگامی بود که دولت رضاشاه بنص انتخابات مجلس را در دست داشت و مخالفین خود را از ورود به مجلس محروم کرد.

در اکتبر ۱۹۲۸ به خراسان تبعید شد و دیگر هرگز به تهران بازنگشت. او مهمترین عامل شکست حرکت جمهوری طلبی در ایران بسال ۱۹۲۴ بود.

او با حرمت و قداست زیاد که داشت طبقه متوسط جامعه را رهبری می‌کرد و منزل او همواره محل آمد و رفت و پرسش و پاسخ مسائل سیاسی بود.

او مردی بغایت ترس و رک گو می‌بود. نظرات خود را بدون ترس از شاه اظهار می‌کرد. از هیچ انتقادی فروگذار نمی‌نمود.

در اکتبر ۱۹۲۶ تروری علیه مدرس سازماندهی شد و در سحرگاه آروز او را بگلوله بستند. با اینکه سه زخم برداشت، ولی از این دسیسه مرگبار جان سالم بدر برد. او چندین روابطی با آخوند‌های درباری و مرتجع ندارد. روابط او با این محافل خوب نیست.... (مانده)

۱۴۳- اویسی، علی محمد

علی محمد اویسی در ۱۸۸۱/۱۲۶۰ خ. در تهران متولد شد. وی از دانش آموختگان مدرسه علوم سیاسی تهران است. در سال ۱۹۰۳ وارد خدمات دولتی در وزارت امور خارجه می‌شود. در سال ۱۹۰۴ نایب قنصل ایران در باکو، در ۱۹۰۵ کارگزار در درگز و سال بعد کارگزار تبریز می‌گردد. در ۱۹۰۸ به حکمرانی انزلی (پهلوی فعلی) می‌رسد.

در سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ عهده‌دار امور گذرنامه در استانبول می‌شود. در ۱۹۱۸ به وزارت فوائد عامه منتقل شد و تا سال ۱۹۳۱ دارای سمتهای گوناگون در این وزارتخانه بود. تا اینکه به حکمرانی یزد رسید.

در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ حاکم خوزستان بود. سپس بعنوان نماینده ایران رهسپار کشورهای شرق آسیا (هند، چین و ژاپون) شد. در سال ۱۹۳۶ در بمبئی سرپرستی امور بازرگانی را برعهده داشت.

اویسی زبان فرانسه را به روانی حرف می‌زند. شخص خوش مشربی است و محضر دلپذیری دارد. با یک زن اروپایی ازدواج کرده است. مراوده خوبی با همکاران خود ندارد.

۱۴۴- پهلوی، رضاشاه

رضاشاه پهلوی حدود سال ۱۸۷۳/۱۲۵۲ خ. متولد شد. به یک خاندان کوچک در سوادکوه مازندران بستگی دارد. پدرش ایرانی بود و مادرش تبار قفقازی دارد. نیاکان مادرش هنگام واگذاری شهرهای ایران به روسها به موجب قرارداد ترکمانچای به ایران پناهنده می‌شوند.

او در پانزده سالگی بعنوان شاگرد مهتر در بریگاد قزاق به کار می‌پردازد و درین کار ترقی کرد و بجهت بی‌پروایی و نشان دادن کفایت در امور محوله نظامی مورد توجه صاحب منصبان و کارآموزان روسی قرار گرفت. بهر مأموریت که او را می‌فرستادند با فرونشاندن شورش‌ها و ایجاد امنیت و آرامش بازمی‌گشت، از این رو عهده‌دار فرماندهی گروهی از قزاقان شد.

در آغاز جنگ جهانی او به درجه سرهنگی رسید، پس از این که بریگاد قزاق تبدیل به دیویزیون شد و فرماندهان روسی آن را ترک گفتند، بدنبال شکست قوای ایران در شمال از بلشویکها و لزوم سازماندهی جدید رضاخان به ریاست دیویزیون قزاق منصوب شد.

رضاخان در مارس ۱۹۲۱ با قوای خود رهسپار تهران شد. سید ضیاءالدین که همراه او بود با ورود به تهران به آسانی به ریاست وزرائی رسید و رضاخان فرماندهی قوا را به عهده گرفت. رضاخان سپس بسرعت به قدرت رسید. شش هفته بعد او وزیر جنگ شد. این پست را تا سوم اکتبر حفظ کرد و در سال ۱۹۲۵ رئیس‌الوزراء شد.

مجلس در سوم اکتبر ۱۹۲۵ احمدشاه را از شاهی برکنار کرد و اداره امور کشور را موقتاً به رضاخان واگذار کرد. در ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ بموجب تصمیم مجلس مؤسسان رضاخان با عنوان رضاشاه پهلوی پادشاه گردید و در آوریل ۱۹۲۶ تاجگذاری کرد.

رضاشاه مردی خودساخته با شخصیت طبیعی و صفت و منش و آرمانهای بزرگ غرورآمیز و توانایی در کارهاست. جاه طلبی و بلندهمتی زیاد او را بر آن داشت که کشورش را که دچار تباهی شده و در مردابی فرو رفته بود بیرون کشد و به آن استقلال واقعی بخشد. در برابر مشکلات بزرگی که در پیش است فعلاً او به پیروزیهای چشمگیری رسید. اگر زندگی او دیرپاید ممکن است بر سایر دشواریها فایز آید. اما او نتوانسته است روحیه سستی و کاهلی ملی را از بین ببرد. بیشک کارهایی که او شروع کرده است بعد از او دنبال خواهد شد.

او شخصیتی مردمی نیست. مردم از او مرعوب هستند، باید در نظر داشت او در یک کشور خاوری زندگی می‌کند و در این گونه کشورها ترس از حکومت فوایدی بیشماری دارد. او مردمی یک‌رو و صمیمی نیست. دسیسه و اسباب چینی را بعنوان حرب‌های مناسب می‌نگرد. او بهرکس که لیاقتی از خود نشان دهد و ابراز برتری کند بدگمان می‌شود. در قشون هر صاحب منصبی که در عملیات جنگی به موفقیتی و اسم و رسمی برسد بدون معطلی او را از حوزه اقتدار و کارش دور می‌کند. روش او با نزدیکترین کسانش که بدگمان شود به گونه‌ای نیست که مقربانش بیدار شوند. از آغاز سال ۱۹۳۰ تنها راه دسترسی به شاه که روز به روز تنگ‌تر می‌شود وزیر دربار است. از این رو به سرعت دارد پایگاه اجتماعی خود را در افکار عمومی از دست می‌دهد.

رضاشاه مردمی حریص و آزمند به گردآوری ثروت است. تلاش او اینست از هر راهی مال و منال، پول و زمین و ثروت به دست آورد. او معتاد به تریاک و مشروب محلی است، پیش از رسیدن به شاه‌ی یعنی در دوران زندگی فعال سپاهگیری مردمی بسیار قوی و نیرومند بود.

با اینکه سیاست و شیوه زمامداری او بدزبانی و بدسکونی است همیشه از بی‌اعتمادی رنج می‌کشد. گفته می‌شود او همیشه با انواع ابزار دفاعی که در دسترسش است به رختخواب می‌رود. با وجود این شبها از خواب می‌پرد و از نگرانی دست به اسلحه می‌برد. او نسبت به کسانی که بیم توطئه و دسیسه از سوی آنان می‌رود گذشت ناپذیر و بی‌اغماض است. دشمنان خود را محکوم می‌کند و مدت درازی تا حیات دارند در زندان نگاه می‌دارد.

باری با همه چیزگی که بر جامعه دارد، از یک احساس ناشناخته بیرونی و خارجی رویارو، دلواپس و نگران است. از سوی دیگر...* (ناتمام مانده و نسخه ناقص است)

چند کتاب تازه ایرانشناسی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

OTTO HARRASSOWITZ

Asien Abteilung / Asia Department

Buchhandlung / Booksellers

P.O.Box 2929 - Taunusstrasse 5 - D-6200 Wiesbaden - Germany

Madani, Mir Hamid.
Elementarbuch der persischen Sprache.

Band 1: (Grammatik.) 3., verbesserte Aufl.
Erlangen 1989. 305 S. --- Das Persische
teilweise mit Umschrift.

Band 2: (Lesestücke.) Ebermannstadt 1947.
382 S. --- Das Persische teilweise mit Umschrift.

Band 3: Glossar von Bd. 1 und Bd. 2: Persisch--Deutsches Wörterbuch. Ebermannstadt
1992. 390 S. --- Das Persische mit Umschrift.

Enthält ca. 12.000 Wörter, Ausdrücke und
Idiome der literarischen sowie der Umgangssprache.

Melzer, Uto von (Übers.).

Erzählungen aus Persien. Persische Prosa aus
elf Jahrhunderten. (Übersetzungen, aus dem
Nachlass) hrsg. von Nosrathollah Rastegar.
Graz 1991. 415 S. --- Arbeiten aus der Abt.
"Vergleichende Sprachwissenschaft" Graz, 3.

u. Anhang: Persischer Text der Erzählungen
(Kalligraphie).

Fawcett, Louise L'Strange.

Iran and the Cold War. The Azerbaijan crisis
of 1946. Cambridge 1992. 239 p. --- Cambridge
Middle East Library, 26.